

## روزی که با رازی آشنا شدیم

### دکتر ثریا منتظری

به خوبی یادم می‌آید مرداد سال ۱۳۷۰ بود که پس از حدود ۲ سال همراه خانواده به ایران برگشتیم. ابتدا برای ثبت نام بچه‌ها که به خاطر دوری از وطن، آن‌چنان ساده هم نبود، سرگرم بودم و پس از شروع مدارس، در فکر شروع به کار بودم تا این که یکی از دوستان را در جلسه اولیای مدرسه دیدم و او به من پیشنهاد نمود که شرکت پخش رازی به دنبال یک نفر مسؤول فنی هستند. روز بعد قرار گذاشتم و نزد مسؤولان وقت پخش رازی (مدیرعامل و مدیرمسئول نشریه رازی) رفتم و در زمان ملاقات حضوری دریافتم که همگی از دوستان و هم‌دانشکده‌ای‌های قدیمی هستیم. به این ترتیب بود که از روز ۹ آذر ماه سال ۷۰ به صورت رسمی به عنوان مسؤول فنی شرکت پخش رازی مشغول خدمت شدم.



البته تا آن زمان هیچ یک از همکاران داروساز خانم در شرکت‌های پخش به عنوان مسؤول فنی فعالیت نداشت و در واقع، شرکت‌های توزیع‌کننده دارو مدت زیادی نبود که ملزم به داشتن مسؤول فنی شده بودند. یکی از وظایف مسؤول فنی، بازدید انبارهای شرکت پخش در کلیه مراکز استان‌ها بود که به صورت موردی و یا با برنامه زمان‌بندی انجام می‌گرفت و این مساله‌ای بود

که مدیرعامل شرکت رازی در ابتدا از اینجانب سوال نمودند که آیا می توانم به استان های مختلف مسافرت نمایم و با پاسخ مثبت من روبرو شدند. اکثر این ماموریت ها را یک روزه و با برنامه ریزی رفت صبح زود و برگشت آخر شب انجام می دادم به جز موارد به خصوص که مجبور به اقامت شب هم می شدم، البته با کمک گرفتن از مادرم برای نگهداری فرزندانم که در سنین دوران دبستان و راهنمایی بودند.

یکی دیگر از وظایف مسؤول فنی شرکت پخش، ارتباط مستمر با اداره کل امور دارو و شرکت در جلسات برنامه ریزی تولید و پیش بینی وضعیت بازار دارویی برای جلوگیری از کمبودها می باشد. هم چنین پی گیری وضعیت تولید کارخانه های دارویی برای جلوگیری از کمبود و موجودی زیاد داروها در بازار از طریق برگزاری جلسات و مذاکرات تلفنی مستمر.

از دیگر وظایف مسؤول فنی شرکت های توزیع، ارسال نمونه های دارای اشکال فنی که توسط مصرف کنندگان و یا داروخانه ها به شرکت پخش مرجوع شده است، می باشد. به طور معمول تا آن زمان، مسؤولان فنی پخش ها به صورت مستقیم با مسؤولان فنی کارخانه ها مکاتبه نداشتند ولی با هماهنگی مدیریت شرکت پخش رازی، این کار آغاز شد و به خوبی ادامه یافت. پس از پاسخ شرکت تولیدکننده، در صورتی که آن محصول با شماره سری ساخت خاص باید از بازار دارویی جمع آوری می شد، این اشکال فنی همراه نامه به کلیه مراکز استانی اعلام شده و از طریق ویزیتورهای شرکت پخش نیز به اطلاع کلیه داروخانه ها می رسید که در زمان معین آن محصول باید جمع آوری و به انبار مرکزی شرکت پخش و سپس به کارخانه سازنده مرجوع می گردید و در صورتی که اشکال فنی به شرایط نگهداری دارو (دما، رطوبت، نور ...) و یا شرایط حمل و نقل ارتباط داشت، پاسخ به داروخانه مربوط ارسال می شد.

مدت زیادی از ورودم به پخش رازی نگذشته بود که به پیشنهاد مدیر مسؤول ماهنامه دارویی رازی، همکاری با این نشریه را آغاز نمودم و پس از مدتی به عضویت هیات تحریریه نشریه رازی درآمدم. در جلسه ماهانه هیات تحریریه که با حضور اساتید محترم دانشگاه و همکاران نشریه برگزار می شود، مسایل مربوط به نشریه ماه گذشته همراه با نظرات، انتقادات و پیشنهادات هر یک از اعضا مطرح می شود که اکثرا با دقایقی چند از بحث های داغ روز همراه می باشد. در این مدت ۱۵ سال، انتشار نشریه با فراز و نشیب هایی همراه بوده که در برخی موارد نیز به صورت مشکلی حاد درمی آمده ولی هر بار با یاری خداوند

متعال و تلاش مسؤولان نشریه، برطرف شده و خوشبختانه نشریه رازی به صورت مداوم منتشر شده است.

پس از گذشت چند سال، بنابر پیشنهاد مدیرکل محترم اداره دارو در سال ۱۳۷۵ به عضویت کمیسیون قانونی ماده ۲۰ امور داروخانه‌ها درآمد (به عنوان نماینده شرکت‌های توزیع کننده) و در این سال‌ها با معاونان و مدیران کل مختلفی در این کمیسیون همکاری نموده‌ام. با وجود تمام خاطرات موجود در ذهنم به دلیل این عضویت، یک واقعیت وجود دارد که هرگاه یکی از همکاران داروساز برای آگاهی از رای کمیسیون در جهت تاسیس و یا انتقال سرمایه داروخانه و یا برطرف شدن مشکلات دیگر داروخانه، پی‌گیر پرونده‌اش بوده، و زمانی که آن همکار که خیلی از اوقات وی را قبلاً ندیده و نمی‌شناخته‌ام، جویای کارش شده و با شنیدن پاسخ مربوط به رای مثبت اعضای کمیسیون مسرور می‌گردد، آن حالت رضایت و اطمینان خاطری که برای اینجانب ایجاد می‌شود، از بهترین لحظات زندگی می‌باشد. البته اطمینان دارم که برای سایر اعضای کمیسیون نیز همین حالت وجود دارد، زیرا همه این همکاران محترم از اعضای رده بالای دولتی و یا سایر افراد نیز در طول تمام این سال‌ها قصد و نیتی به غیر از جلب رضایت خداوند و کمک به همکاران داروساز در جهت برطرف شدن مشکلاتشان نداشته‌اند.

خلاصه آن‌که در مدت ۱۴ سالی که در خانواده رازی اعم از شرکت پخش و نشریه رازی مشغول خدمت بوده‌ام، مجموعه‌ای از خاطرات تلخ و شیرین در ذهنم به یادگار مانده که یادآوری بعضی از آن‌ها مانند درگذشت برخی همکاران از جمله آقایان دکتر توسلیان (عضو سابق کمیسیون داروخانه‌ها)، دکتر غفارزاده (مدیرعامل اسبق کارخانه جابربین حیان)، دکتر آدرنگی (مسئول فنی کارخانه زکریای تبریز)، دکتر مصباح (مسئول بررسی پرونده‌ها) و ... غم‌انگیز و برخی دیگر شادی‌آور می‌باشند و در نهایت، تداعی این شعر زیبا که برای دوران زندگی هر یک از ما مصداق دارد:

زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست

هرکسی نغمه خود خواند و از صحنه رود

صحنه پیوسته به جااست

خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد